

فیلم > نیمه پنهان > : گامی به عقب

اخگر فراهانی

کرده است: "معلومه که زن سربراهی نبوده!"

طی روایت فرشته در دفتر خاطراتش که شوهر در حال خواندن آن در اتاق هتل است با مسائل گوناگونی در فیلم روبرو می شویم: سرکوب نیروهای چپ و انقلابی، حمله چماقداران حزب الهی به میز کتاب جریانات سیاسی، دستگیری فعالین سیاسی و زندان و اعدام آنها، نگاه آنان به موضوع زن، عشق و خلاصه نگاه امروز فرشته به آن گذشته.

فیلم نیمه پنهان بیشتر تئاتری است که به سینما آمده است، حجم گفتارها بسیار بیشتر از حجم تصاویر است و طبعاً چنین فیلمی حرف های بسیاری دارد تا با بیننده در میان نهد. موضوعات فیلم را می توان بشکل زیر دسته بندی کرد: نیروهای سیاسی چپ مخالف رژیم، زنان و سیاست. نگاهی به صحنه هایی از این فیلم در مورد هر یک از موضوعات بالا بپردازیم.

گروههای چپ مخالف رژیم

فرشته که ۱۹ سال دارد، پس از سرنگونی رژیم شاه و قدرت گیری خمینی در یک گروه سیاسی چپ فعال میشود. او بهمراه چند دختر جوان بنام های زهره، مریم، فرخنده و نسرين در یک هسته در این گروه متشکل است. نسرين که کمی از بقیه مسن تر است و پنج سال هم در رژیم شاه زندانی بوده

فیلم "نیمه پنهان" برای تهمینه میلانی پر دردسر بود، چرا که دوبار بخاطر این فیلم به دادگاه احضار شد و حتی شبی را در حبس به سر برد. به همین جهت فیلم ارزش دوبار تماشا کردن و تعمق درباره آن را دارد. ضمناً تهمینه میلانی فیلم خوب و ارزشمند "دو زن" را پیش از آن ساخته بود و به شدت مورد اعتراض هردو جناح حکومت و طرفدارانش قرار گرفته بود.

فیلم "نیمه پنهان" حکایت زنی است به نام فرشته، که در آستانه چهل سالگی تصمیم می گیرد برای اولین بار پس از ۱۷ سال زندگی مشترک، واقعیتهایی از گذشته اش را برای شوهر بازگو کند. این واقعیت عمدتاً مربوط به رابطه او با مردی است که در جوانی دوست داشته است. این علاقمندی زمانی صورت گرفت که انقلاب شده بود و او در یک گروه سیاسی چپ فعالیت می کرد. علت تصمیم فرشته به بازگویی واقعیت، تقاضای کمک از جانب یک زن زندانی سیاسی محکوم به اعدام به دفتر ریاست جمهوری است و همسر فرشته بنام خسرو محتشم قرار است بعنوان قاضی به پرونده این زن رسیدگی کند. فرشته می خواهد به این زن کمک کند چون او را تجسم گذشته خود می داند. و سعی می کند شوهر را قانع کند که در مورد آن زن عادلانه قضاوت کند، گرچه شوهر پیشاپیش قضاوت خود را در مورد این زن زندانی سیاسی

است، مسئول گروه است. چندین سکانس فیلم به جلسات این هسته سیاسی اختصاص دارد:

"نسرین: زهره موقع شوخی نیست

زهره: شوخی بخش مهمی از زندگی است

نسرین: شوخی مال آدم های بیکاره است نه ما که اهداف جدی داریم

زهره: عشق و عاشق شدن جدی نیست؟

نسرین: جدی است اما موضوع ما نیست

فرشته: یک جلسه تعیین کن تا من سئوالم را بپرسم. جایگاه عشق، نه به توده ها بلکه به یک غیرهم جنس کجاست؟

نسرین: از بالا می پرسم جواب میدهم!"

نسرین بیشتر شبیه ناظم های بداخلاق دبیرستان های دخترانه است طوری که از نظر زهره او "سرخر" است. و در اعتراض به این لقبی که زهره به نسرین می دهد مریم می گوید او زندانی سیاسی بوده است و باید به او احترام گذاشت و زهره که ظاهرا عاقلترین فرد گروه است می گوید زندانی سیاسی بودن دلیل محق بودن نیست.

نسرین بالاخره سئوال مربوط به عشق را از مسئولین رده بالا می پرسد و برای گروه جواب می آورد: "عشق به غیر هم جنس عشقی غریزی است که با ارزش شمرده می شود اما اگر در کوران مبارزه قرار بگیریم باید قادر باشیم از آن عشق بپرهیزیم."

فرشته اعتراف می کند که جلسات گروه در دانشگاه را بخاطر دیدن آقای روزبه جاوید، مرد مسنی که به او علاقمند شده است می رود.

در جلسات آخر فرشته شورش می کند:

"گاهی دلم می خواهد صورتم را آرایش کنم. لباس زنانه بپوشم. عاشق بشوم. نمی دانم چرا احساس می کنم با تمام اعتقادی که به سازمان دارم تمام مدت دارم در یک قوطی محدود زندگی می کنم.

اگر دیشب مرا برده بودند کی به داد من می رسید؟"

نسرین مسئول گروه حتی تعداد لباس های افراد گروه را کنترل می کند، زهره که دو عدد بلوز دارد از فرشته می خواهد به نسرین نگوید چون نسرین خواهد گفت که یک بلوز کافی است!

و اما ادبیات جریانات سیاسی چپ: آقای جاوید از یک نویسنده چپ گروه های سیاسی مثال می آورد که وقتی می خواست بگوید "آن مرد به زن گفت زیرسیگاری را به من بده" می گفت: " آن مرد که از خصم ستمکاران تاریخ کمر خم کرده بود...."

برخورد به مسئله زن

فرشته که زنی تحصیل کرده و دانشگاه رفته است در نقش مادری مهربان و همسری دلسوز در اولین سکانس فیلم ظاهر می شود. به شوهر چای می دهد. به کودک غذا می دهد. میز را تمیز می کند. شوهر سفارش می کند که فرشته برایش چمدان یک سفر سه روزه را ببندد. فرشته در دورانی که فعال سیاسی است و به روزه جاوید دل می بندد در اولین دیدار با او، در مقابل لقب دختر کوچولو اعتراض می کند. اما مناسباتش با روزه جاوید در تمام سکانس های فیلم نقش یک دختر کوچولوست. حتی هنگامی که با روزه به میهمانی جمع نویسندگان می رود و تصمیم می گیرد مهمانی را ترک کند، در مقابل حکم روزه جاوید که به اومی گوید "برگرد مثل بچه آدم شام بخور، بعدا می رسونت" آرام بر می گردد و در پایان شب از روزه بخاطر رفتارش معذرت می خواهد. در جایی که در مهمانی مردی با اشاره به فرشته، به متلک به روزه می گوید "شکار جدید است؟" و روزه در جواب می گوید "آره برو تفنگ را بیاور". روزه جاوید به فرشته می گوید "او ذاتا مجرد است". چرا که علیرغم متاهل بودن مداوما دنبال "شکار" است!

با هم صحبت می کردیم سوء تفاهم ها رفع می شد!"

پس از انقلاب و شروع دوران سرکوب نیروهای انقلابی، روزبه جاوید و دوستانش حرفه‌هایی می زدند که امروزه بخشهایی از هیئت حاکمه موسوم به دوم خردادها به آن رسیده اند. آقای جاوید که درگذشته از فعالین سازمان جوانان حزب توده بوده است می گوید: "آزادی باید چارچوبی داشته باشد وگرنه تبدیل به هرج و مرج می شود."

"آزادی یعنی هر انسانی با حفظ حقوق دیگران بتواند شک کند، بتواند اشتباه کند و حرفش را بزند و به هر مقامی چه سیاسی، چه مذهبی، چه هنری، چه ادبی بتواند نه بگوید."

خانم پهلوان به فرشته می گوید: "بنظر من نسل تو بیشتر هیجان زده و احساساتی هستند تا مبارزانی آگاه"، "فقط با خواندن تاریخ و تئوری کشورهای دیگر نمی شود برای یک مملکت نسخه پیچید!"

فرشته هنگام بررسی گذشته اش می گوید "واقعا یک دختر بچه بودم، دختر بچه ای که یک دفعه هلم داده بودند در واقعیت زندگی و می گفتند عوض کن." و بالاخره او می گوید "حرف های روزبه جاوید و خانم پهلوان روی او بسیار اثر گذاشت."

می بینیم که ته‌مینه میلانی در این فیلم حرف های بسیاری برای گفتن دارد. او برای مطرح کردن نظرات سیاسی خود و هم چنین موضوع زنان، ابتدا باید ترتیب مخالفین سیاسی واقعی رژیم را که همانا نیروهای چپ و مبارز بودند می داد. تصویر نیروهای سیاسی که در جمع ۵ نفره گروه فرشته فشرده می شد تصویر یک مشت دختر بچه است که خودشان هم نمی دانستند چه می خواهند اما می خواستند جامعه را عوض کنند!!

روزبه جاوید که در این فیلم لحظه ای از متلک و تحقیر زنان غافل نیست، از همسرش می شنویم که در بین زنان محبوبیت دارد و همه زنان دور و بر او می پلکنند!

وقتی فرشته با همسر روزبه جاوید روبرو می شود و در می یابد که این مرد مرتبا به زنش خیانت می کند و ماجرای عشق جوانی روزبه را می شنود می گوید "حالا دلم برای روزبه می سوزد!!" زن روزبه جاوید برای حفظ همسرش به هر حيله و رشوه ای متوسل می شود. و البته همکار شوهرش آقای منصور جاسوس این خانم است و مرد را مرتب کنترل می کند که در خیانت زیاده روی نکند!

فرشته در انتهای فیلم حق را به آقای روزبه می دهد، هنگامی که به او می گوید چرا مرا ترک کردی و زود قضاوت کردی. او در دفترچه خاطراتش اینگونه ادامه می دهد که سعی کرده همانطور که همسرش خواسته زن خوب و وفاداری باشد و علت این فضیلتها را مدیون گذشته است. فرشته در سرتاسر فیلم تردید دارد. هنگام فعالیت سیاسی دچار تردید است. در رابطه با روزبه دچار تردید است و ...

سیاست

در صحنه های آغازین فیلم، آقای رستگار از حزب الهی های دانشگاه را می بینیم که همکار محترم، شوهر فرشته است. رستگار که هنگام "انقلاب فرهنگی" برگه اخراج فرشته را بدست او داد، اکنون به فرشته می گوید: "بیست سال گذشته، همه چیز عوض شده، من هم عوض شده ام، فراموش کنید."

فرشته در مورد آقای رستگار هنگام پاکسازی دانشگاه می گوید: "واکنشی که رستگار به من نشان داد، اعتقاد نبود یک جور دشمنی بود، یک جور کینه. شاید اگر فرصتی بود که من و رستگار چهره به چهره

تهمینه میلانی حرف دلش را از زبان خانم پهلوان (!) می زند. خانم پهلوان معتقد است که جریانات چپ نه تاریخ مشروطه خوانده بودند و نه کشور خود را می شناختند و می خواستند با کلیشه ها و شعارها مملکت را عوض کنند! تهمینه میلانی به خاطر ارادتی که به روزبه جاوید و خانم پهلوان دارد نمی خواهد باور کند که چپ ایران مجوبی از تاریخ کشور خود آگاه بودند. آنان شکست جنبش مشروطه را می دانستند و همچنین بر خلاف میل خانم میلانی، به خوبی خیانت و بی عملی حزب توده در سال ۱۳۳۲ را به یاد داشتند. آنان نمی خواستند تجربه حزب توده تکرار شود. از این رو علیرغم عدم آمادگی و بی تجربگی، مرتجعین جدید را حتی اگر شده با دست خالی، به مصاف طلبیدند. آنان مبارزه کردند و شکست خوردند تا برای نسل بعدی میراثی انقلابی بر جای گذارند تا بر پایه آن جامعه نوین آینده ساخته شود.

میلانی البته حق دارد دریافت خود را از واقعیت منعکس کند اما حق ندارد دریافت خود را به نام واقعیت قالب کند. تاریخ نسل گذشته در رژیم کنونی ممنوعه است. مطمئنا شرط رژیم برای نمایش چنین تاریخی، تحریف آن است، پس هنرمندی که خود را متعهد و مترقی می داند بهتر است از چنین کاری پرهیز کند، چون روایت اینگونه تاریخ به سود حکام جنایتکار اسلامی است! بویژه در زمانی که نسلی از انقلابیون و مبارزین به قتل رسیدند یا تبعید شدند و هنوز در شرایط اختناق جمهوری اسلامی قادر نشدند تاریخ خود را به گوش نسل جوان بعدی برسانند، "نیمه پنهان" تصویری تا این حد تحریف شده، تحقیر شده و مبتذل از جنبش چپ ایران را به خورد نسل جوان دهد. تهمینه میلانی پیشتر می رود و به نسل جوان پیام می دهد که اگر هم می خواهید از تجربه آن نسل استفاده کنید مثل فرشته استفاده کنید و تجربه دوران فعالیت انقلابی را برای امر

هسته سیاسی این گروه چپ توسط خانم میلانی اسلامیزه هم میشود! همه گروه دختر هستند! حتما بسیاری که حتی با گروه های چپ فعالیت نمی کردند، بیاد دارند که هسته ها زنانه نبود بلکه دختر و پسر با هم فعالیت می کردند! فرشته قهرمان فیلم، بیشتر تصویر یک دختر مردد، متزلزل و ساده لوح را در ذهن انسان تداعی می کند تا دختران جوان پیشرو و جسور انقلابی ای که پس از انقلاب در جریانات چپ و مبارز برای جامعه ای دمکراتیک و تحقق حقوق دمکراتیک مردم ایران متشکل شدند و برای این آرمانها از مرگ هیچ هراسی نداشتند و ترس برایشان مفهومی بیگانه بود. نسلی که به قول احمد شاملو " _ که تباهی از درگاه بلند خاطره شان، شرمسار و سرافکنده می گذرد!" برخلاف فرشته فیلم خانم میلانی، عموما فرشته های متشکل در گروههای مبارز انقلابی، جلادان رژیم جمهوری اسلامی را در زندانها به زانو درآوردند. رژیم حتی از پیکر بی جان آنان وحشت داشت، از اسم آنان هم هنوز وحشت دارد! به همین دلیل همچنان تاریخ این نسل، تاریخ ممنوع و پنهان جامعه ماست.

نسرین فیلم "نیمه پنهان" که به اصطلاح مسئول گروه بود و بعدا اعدام شد، حتی قادر نبود به سئوالات ساده گروه پاسخ دهد و برای هر سوال ساده ای باید از مسئولین پاسخ می گرفت. نسرین مثل یک دیکتاتور به خندیدن، شوخی، لباس و ساده ترین علایق گروه دخالت می کرد. برخلاف نسرین فیلم خانم میلانی، نسرین های واقعی علیرغم جوانی و کم تجربگی آنقدر دانش و توانایی داشتند که تضاد منافع تازه به قدرت رسیدگان اسلامی را با منافع اکثریت مردم تشخیص دهند. هنگامی که امثال روزبه جاوید در حال لفاظی های بی مایه در مورد عشق، آزادی و مبارزه و... بودند، نسرین ها تشخیص داده بودند که اسلامیون تازه به قدرت رسیده در حال دزدیدن دستاوردهای انقلاب مردم هستند.

جامعه، حتی حل تضاد بین زن و مرد نیز کشاندند. اما "نیمه پنهان" کمی زیاده روی کرد! جای بدی انگشت گذاشت. بهتر بود به جای سرک کشیدن به تاریخ نسلی که قتل عام شد به همان موضوع دوم خرداد و چاشنی عشق و عاشقی بسنده می کرد. نسرين اعدام شد اما نسرين هايي هستند که تاریخ آن نسل را به گوش نسل جوان برسانند. بیشترین لطفی که تاریخ هنر به امثال خانم میلانی خواهد کرد، ذکر نامشان در لیست مداحان دربار غزنوی است!

میلانی از زبان روزبه جاوید، خانم پهلوان و فرشته، حرف دلش را می زند. این سه تن، از لحاظ تفکر و عقیده یکی هستند. گرچه فرشته در ابتدا جور دیگری فکر می کند، اما پس از دو جلسه گفتگو با آن دو، تعلق خاطر خود را به آنان درمی یابد. پند و اندرز پهلوان در مورد تاریخ مشروطه و بابک خرم دین، و تعاریف روزبه از عشق و آزادی فقط به درد مشروعیت بخشیدن به سرکوب نیروهای انقلابی توسط جمهوری اسلامی می خورد. ظاهراً میلانی می خواهد تماشاچی را به این نتیجه برساند که علت شکست چپ این بود که تاریخ کشورش را نخوانده بود!! بد نبود خانم میلانی، نیم نگاهی هم به جمع بندی نیروهای چپ و انقلابی از علل شکستشان می انداخت تا بالاخره می فهمید که علت شکست، نخواندن تاریخ مشروطه بود یا سرکوب خونین حکام اسلامی با حمایت غرب!

تهمینه میلانی به خود زحمت داده و گفتگوی تمدنها را که خاتمی برای جهانیان دیکته کرد، به کل جامعه تعمیم می دهد: گفتگو و رفع سو تفاهم بین جنایتکاران و قربانی؛ بین عاشق و معشوق؛ بین زن و شوهر. تو گویی گفتگوی تمدنها با فراموش کردن بیست و سه سال جنایت ممکن است. این دیگر گفتگوی تمدنها نیست، بلکه مشروعیت بخشیدن به بی تمدنی است.

خانه داری و شوهرداری بکار ببندید!!!
تصویر میلانی از نیروهای چپ نشان می دهد که او حتی بعنوان یک ناظر بی طرف، در آن دوران در جامعه نبوده است تا حداقل ببیند سبک کار نیروهای چپ چگونه بوده است. که اگر بود شاید می توانست برای اقناع تماشاچی بر سر نظراتش، حداقل با تصاویرش، ادای واقعیت را بهتر درآورد.

واقعاً جای تاسف است که تهمینه میلانی حتی وقتی می خواهد چپ را بر سر مسئله زنان نقد کند، حرفهایش از سطح مسائل ابتدایی و بعضاً تحریف شده ای که برخی ورشکستگان سیاسی علیه جنبش چپ می گویند فراتر نمی رود. جمهوری اسلامی برای سر بریدن انقلاب، نسلی را در کوچه و خیابان به رگبار بست و در زندانها به دار آویخت تا اثری از مبارزه انقلابی بر جای نماند. شاید جمهوری اسلامی توانست آن نسل را از صفحه پاک کند اما تاریخ را نمی شود سر برید یا حذف کرد. هیئات با تلاشهای شبانه روزی خیل "اصلاح طلبان" بتوان تاریخ را تحریف کرد! تصویر کاریکاتوریزه شده از گروههای سیاسی بیشتر نشان دهنده درک و فهم کاریکاتوریزه و سطحی خانم میلانی و همفکرانش از تاریخ است.

نیروهای سیاسی چپ در مبارزاتشان در آن سالها علیه نظام جمهوری اسلامی نشان دادند که در جنایتکار بودن این رژیم هیچ توهمی ندارند، اما خانم میلانی و همفکرانش پس از ۲۳ سال فجایعی که رژیم اسلامی برای مردم ببار آورده است، هنوز نسبت به این موضوع متوهمند! بگذارید تاریخ قضاوت کند که ساده لوحان کیانند!

در تاریخ سینمای اخیر ایران فیلمهای بسیاری ساخته شدند تا مبلغ پروژه دوم خرداد و آشتی دادن مردم با جلادان فرزندانشان باشند. فیلمهایی که مثل "نیمه پنهان" تبلیغ آشتی و فراموشی کردند و گفتگوی تمدنهای آقای خاتمی را با خلاقیتی سرگیجه آور به همه عرصه های

زنان

جوانبی از مردسالاری سازش کنند).

فرشته فیلم "دو زن" عاصی و شورشگر است و نمی خواهد زندگی اش در چارادیواری خانه وقف بچه داری و شوهرداری شود، برای رفتن به دانشگاه و راه یابی به جامعه و استقلال خود مبارزه می کند. اما فرشته فیلم "نیمه پنهان"، دانشگاه می رود که بعد مادری دلسوز و مهربان و همسری درستکار و وفادار شود! همه استعدادها و توانایی های فرشته فیلم "نیمه پنهان" را می توان در چمدانی که برای سفر شوهرش به شیراز بسته است، جا داد!

هنوز برای من و بسیاری که این فیلم را دیده اند معمایی است که چرا دادگاه انقلاب، تهمینه میلانی را به خاطر این فیلم احضار کرد؟

متأسفانه فقط محتوای فیلم نیست که عاری از حقیقت است، بلکه این حقیقت تحریف شده با بازی بسیار بد محمد نیک بین و بازی ضعیف نیکی کریمی باعث شد که این فیلم ارزش هنری چندانی هم نداشته باشد. بازیگران فیلم همانقدر با شخصیت های فیلم بیگانه بودند که کارگردان و نویسندگان فیلم با آن.

در انتها مایلیم به این نکته نیز اشاره کنم که کل داستان فیلم حول یک اتفاق که

علیرغم اینکه "نیمه پنهان" سعی می کند شکنندگی وضعیت زنان را در جامعه کنونی ایران نشان دهد و از این زاویه مثبت است با این حال زن فیلم "نیمه پنهان" در واقع توابع فیلم "دو زن" است. تهمینه در این فیلم انتقاد از خود می کند نسبت به مردها و مردسالاری! گویا در فیلم "دو زن" زیاده روی کرده بود!! برای همین در "نیمه پنهان" همه چیز عکس فیلم "دو زن" است: فرشته در فیلم دو زن می خواهد درس بخواند شوهرش مانع می شود، مرد دیگری که او را دوست دارد مانع می شود. برعکس در فیلم "نیمه پنهان" هر دو مرد، شوهر فرشته و مردی که او را دوست دارد هر دو تلاش می کنند فرشته رشد و ترقی کند! شوهرش باعث رفتن دوباره او به دانشگاه می شود. روزبه جاوید او را با حقایق زندگی آشنا می کند و از او می خواهد همواره با چشم باز نگاه کند! هر دو مردان خوبی هستند که میلانی حداکثر تلاش خود را می کند تا تماشای او را به آنها علاقمند کند! گرچه شخصیت مردسالار روزبه جاوید جای هیچگونه نزدیکی با او نمی گذارد (البته از نظر زنانی که هم درک و حس عمیقی از مردسالاری دارند و هم حاضر نیستند در مقابل امتیازات حقیر، با

آیا می دانید...

اکتبر امسال تسلیمه نسرين، نویسنده بنگلادشی و از فعالین جنبش زنان، توسط دادگاهی در آن کشور، بطور غیابی به یک سال زندان محکوم شد. او را به اتهام انتشار مطالب توهین آمیز نسبت به اسلام در برخی کتابهای خود، محاکمه و محکوم کرده اند.

در سال ۱۹۹۴، تسلیمه پس از اینکه نیروهای مذهبی او را به مرگ تهدید کردند، از کشور خارج شد. انتقادات تسلیمه از ارزشها و آداب و رسوم سنتی باعث خشم گروههای اسلامی در بنگلادش و برگزاری تظاهرات علیه او شد، تا جایی که یکی از این گروهها برای سر او جایزه تعیین کرد! در همین سال دولت خالده ضیا، نخست وزیر بنگلادش، تسلیمه را به جرم نظراتش به الحاد متهم کرده و او را بازداشت کرد، اما بعد از بازجویی اولیه توانست به قید وثیقه آزاد شود. وی با استفاده از این فرصت از بنگلادش گریخت و از آن پس در اروپا بسر می برد.

همانا ارسال یک قاضی از دفتر ریاست جمهوری به کمک زنی در آستانه اعدام می باشد، بافته می شود. جای بسی شگفتی است که در دنیای واقعی که دهها نفر در روز روشن در قتل‌های زنجیره ای به قتل می رسند، صدها نفر بدلیل واهی در زندان بسر می برند و آقای رییس جمهور حتی ککش هم نمی گزد، چگونه می شود که در دنیای خیال، چنین حادثه ای به ذهن یک هنرمند خطور

کند؟ واقع گریزی انسان را نابینا و متوهم می کند. بد نبود خانم میلانی خود نیز به حرفهای آقای جاوید وفادار می ماند: "هر کاری می کنی بکن، اما با چشمهای باز"! ★